

# محمد بن علی الهادی

## سید جلیل القدر محمد بن علی الهادی



### علاقه امام به سید محمد

امام هادی علیه السلام و فرزند بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام به سید محمد بسیار ابراز علاقه می کردند. به طوری که امام برای او مجلس ختم برگزار کرد.

جمعی از بنی هاشم؛ از جمله حسن بن حسن افضس نقل کرده اند:

«روز وفات سید محمد، به خانه امام هادی علیه السلام رفتیم، دیدیم، در صحن خانه بساط گسترده اند و مردم دور تا دور نشسته اند.

جمعیت را تخمین زدیم، غیر از موالی و سایر مردم ۱۵۰ نفر از آل ابی طالب، بنی هاشم و قریش حضور داشتند.

ناگهان امام حسن علیه السلام در حالی که گریبان خود را در مرگ برادر چاک کرده بود، وارد شد و در کنار پدرش ایستاد، ما حضرت را نمی شناختیم. پس از ساعتی امام هادی علیه السلام رو به او کرده، سپس فرمود:

يَا بَنِي أَخَذْتَ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَحَدْتَ فَيْكَ أَمْرًا.

گفتم: فدایت شوم! آیا امام ما بعد از شما این است؟

امام در جواب من فرمود: نه، امام شما بعد از من حسن است.»

### مقام و مرتبه سید محمد

جناب سید محمد بن علی از نظر علمای علم رجال جزو انسانهای ثقه و مورد اعتماد است و هیچ گونه قذح و ذمی ندارد. مردم عراق از این امامزاده خوف دارند و همواره حرمت او را حفظ می کنند. (جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۵۸)

او از اجلاء سادات و دارای کرامات متواتر است. حتی اهل سنت و عربهای بادیه نشین به شدت به او احترام کرده و از او می ترسند.

آنها هرگز قسم دروغ به سید محمد نمی خورند و پیوسته برای او نذر می کنند.

کرامات بسیار زیادی مانند شفای مفلوج و مرضهای صعب العلاج و رفع گرفتاری های شدید از او نقل شده است.

حضرت امام هادی علیه السلام چهار پسر به نام های محمد، حسن، جعفر و حسین داشت.

سید محمد، طبق برخی از منابع، حدود سال (۲۲۸هـ) متولد شد.

بنابر این قول، سید محمد فرزند اول امام است. ولی طبق برخی روایات، سید محمد فرزند دوم و از امام حسن عسکری علیه السلام کوچکتر بود.

علی بن مهزیار نقل می کند به امام هادی علیه السلام گفتیم: «پناه می برم به خدا) اگر شما از دنیا بروید، به چه کسی رجوع کنیم؟»

امام فرمود: «عَهْدِي إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وُلْدِي».

سید محمد، بسیار جلیل القدر و عظیم الشأن بوده است؛ به طوری که شیعیان خیال می کردند او امام بعدی است.

یاران امام هادی علیه السلام نیز درباره امامت وی از امام سؤال می کردند.

علی بن عمرو نوفلی می گوید:

«همراه ابی الحسن علیه السلام، در حیاط منزلشان بودیم که پسرش محمد از جلوی ما گذشت.



ثقة الاسلام نوری اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش کوشش کرده است و صورت کتیبه‌ای که بر ضریح شریفش نوشته چنین است:

هَذَا مَرَقَدُ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ الْإِمَامِ  
أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ الْهَادِي عليه السلام عَظِيمِ الشَّانِ الْجَلِيلِ  
الْقَدْرِ كَانَتْ الشَّيْعَةُ تَزْعُمُ أَنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدَ أَبِيهِ عليه السلام  
فَلَمَّا تُوُفِّيَ نَصَّ أَبُوهُ عَلَى أَخِيهِ أَبِي مُحَمَّدٍ الزَّيْنِيِّ عليه السلام وَ  
قَالَ لَهُ: أَحَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَحَدْتُ فِيكَ أَمْرًا خَلْفَهُ  
أَبُوهُ فِي الْمَدِينَةِ طِفْلًا وَ قَدِمَ عَلَيْهِ فِي سَامَرَاءَ مُشْتَدًّا  
وَ نَهَضَ إِلَى الرَّجُوعِ إِلَى الْحِجَازِ وَ لَمَّا بَلَغَ بَلَدَ عَلَى  
تَسْعَةَ فَرَاسِخٍ مَرَضَ وَ تُوُفِّيَ وَ مَشَهُدُهُ هُنَاكَ وَ لَمَّا  
تُوُفِّيَ شَقَّ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ تُوْبَهُ وَ قَالَ فِي جَوَابِ مَنْ  
عَابَهُ عَلَيْهِ قَدْ شَقَّ مُوسَى عَلَى أَخِيهِ هَارُونَ وَ كَانَتْ  
وَفَاتُهُ فِي حُدُودِ اثْنَيْنِ وَ خَمْسِينَ بَعْدَ الْمِائَتَيْنِ

این آرامگاه سید بزرگوار ابی جعفر محمد فرزند امام ابی الحسن علی هادی (درود بر او) است. وی را شانی عظیم و منزلتی والا است، شیعه گمان می کرده او پس از پدرش (درود بر او) امام می‌باشد، زمانی که از دنیا رفت، پدر او، بر امامت برادرش ابی محمد زکی (درود بر او) تصریح کرد و به او فرمود: برای خدا شکر تو تازه کن، که دستورش را درباره تو تازه کرد، پدرش او را درحالی که کودک بود، در مدینه گذاشت و او پس از اینکه جوانی برومند شد در سامرا به حضور پدر رسید، آن‌گاه تصمیم به بازگشت به حجاز گرفت، زمانی که به منطقه «بلد» در نه فرسنگی سامرا رسید بیمار شد و از دنیا رفت، و زیارتگاهش در همان جاست.

همین که وفات یافت ابو محمد برای او گریبان چاک کرد، و در پاسخ کسانی که بر او عیب گرفتند، فرمود: موسی هم برای برادرش هارون گریبان چاک زد، و سال وفاتش در حدود دویست و پنجاه و دو بود.

در کرامات سید محمد بن علی الهادی عليه السلام، تألیف مهدی آل عبدالغفار کشمیری. در اینجا به نمونه ای از کرامات وی اشاره می‌شود:

علامه سید میرزا هادی خراسانی از سید حسن آل خواجه از خدام آستانه عسکریین عليه السلام نقل می‌کند:

«در صحن شریف ابی جعفر سید محمد نشسته بودم، متوجه شدم شخصی عرب در حالی که یکی از دستهایش را به گردن بسته بود، وارد آستانه شد. نزدیک رفتم و از علت مریضی اش پرسیدم.

گفت: سال گذشته، روزی به منزل خواهرم رفتم، دیدم در حیاط، گوسفندی بسته است. خواستم ذبح کرده، بخورم. خواهرم اجازه نداد و گفت: این گوسفند نذر سید محمد است. من به حرف او توجه نکردم و آن را ذبح کردم، پس از سه روز آثار شلی در دستم نمایان شد و روز به روز بدتر شد.

من متوجه علت آن نبودم، تا این که در این اواخر متوجه کار خود شدم، حالا هم پشیمانم و برای شفا به آستانه سید محمد آمده ام. سپس با همراهیان وارد حرم شد و شروع به گریه و زاری کردند.

پس از ساعتی دیدم دستش را حرکت می‌دهد. سجده شکر به جا آورد و نذر کرد هر سال گوسفندی بیاورد و به نیت امامزاده سید محمد ذبح کند.»

امام حسن عليه السلام گریه کرد و گفت:  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اِيَّاهُ نَشْكُرُ نِعْمَهُ عَلَيْنَا وَ  
إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.  
پرسیدم او کیست؟

جواب داد: حسن عليه السلام فرزند امام علی النقی الهادی عليه السلام، در آن هنگام ۲۰ ساله به نظر می‌رسید، ما فهمیدیم که پس از پدر، او امام است.»

## وفات

سید محمد در سال (۲۵۲هـ.ق.) برای زیارت خانه خدا، قصد سفر کرد، هنگامی که به قریه بلد (بین سامرا و بغداد) رسید، مریض شد و درگذشت. شیعیان او را در همانجا دفن کردند.

## کرامات

کرامات زیادی از سید محمد دیده شده است. میرزا حسین نوری در «تجمل الثاقب» می‌نویسد: «سید محمد، صاحب کرامات متواتر است. حتی نزد اهل سنت هم معروف است. مردم عراق و حتی اعراب بادیه نشین نیز می‌ترسند به نام او سوگند یاد کنند. اگر آنها را به برداشتن مالی متهم کنند، آن را بر می‌گردانند، ولی به سید محمد قسم نمی‌خورند؛ زیرا عذاب آن را دیده‌اند.»

تعدادی از علما درباره کرامات سید محمد کتاب‌هایی نوشته‌اند؛ از جمله رساله ای

